خبرها

پرونده قتل سریالی زنان خانه‌دار به دادگاه کیفری رفت

شرق: پرونده قتل های سریالی زنان خانه‌دار تهرانی پس از صدور کیفرخواست برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد. پیش از این بازپرس شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران قرار مجرمیت هر دو متهم این پرونده را صادر کرده و پرونده را به شعبه اظهارنظر دادسرا فرستاده بود. دادیار اظهارنظر دادسرا نیز پس از بررسی پرونده و قرار مجرمیت صادره از سوی بازپرس هنرمند برای متهم ردیف اول پرونده به‌نام علیرضا به اتهام مباشرت در سه قتل و سرقت کیفرخواست صادر کرد. دادیار حیدری همچنین «اعظم» متهم ردیف دوم پرونده را درخصوص اتهام معاونت در سه قتل و شرکت در سرقت مجرم شناخت. این پرونده که به‌عنوان جنجالی ترین پرونده جنایی سال ۸۴ تهران لقب گرفته بود برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد و قاتلان سریالی زنان تهرانی به زودی محاکمه می شوند. علیرضا در بازجویی ها انگیزه خود را از به قتل رساندن سه زن سرقت و نیاز مالی اعلام کرده بود. او با همدستی اعظم به بهانه خرید خانه به منزل زنانی که برای فروش خانه به روزنامه ها آگهی داده بودند رفته و اگر او در خانه تنها بود نقشه خود را عملی می کردند. آنها بعد از تهدید زنان خانه‌دار دست و پای آنها را می بستند و بعد از کشیدن پتو روی شان آنها را با چاقو می کشتند.

انگیزه عاملان قتل‌های شهریار اقتصادی است

شرق: فرماندار شهریار با اشاره به دو قتلی که در ماه‌های اخیر در این شهرستان رخ داده بود، گفت: شنیده‌ها حاکی است قتل ها با انگیزه اقتصادی انجام شده است. اواخر اردیبهشت ماه امسال مرد میانسالی در شهریار هدف گلوله یک کلاشینکف قرار گرفت. او که بهروز نام داشته و ۴۰ ساله بود حدود ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه درون باغش هدف گلوله عامل یا عاملان قتل قرار گرفت. مقتول در حالی به قتل رسید که پیش از آن برادرش مورد سوءقصد قرار گرفته بود. برادر مقتول زمانی که قصد داشت برای کارگران باغ شام ببرد، به همراه شخص دیگری به نام اکبر به سمت باغ می‌رفت که هنگام ورود به آنجا ناگهان صدای تیراندازی شنید. اکبر و تقی هر دو در آن تاریکی شب آن قدر غافلگیر شده بودند که نمی توانستند شخصی را ببینند یا عکس العمل نشان دهند. لحظاتی بعد پیکر خون‌آلود اکبر نقش زمین شد و تقی هم مجروح روی زمین افتاده بود. عرفان‌منش، فرماندار شهریار در این مورد با اعلام این خبر که تاکنون شخصی در این رابطه دستگیر نشده است، گفت: بررسی های اولیه و ثانویه مقامات مسئول و همچنین خبر غالب در جامعه مشخص کننده این موضوع است که قتل ناشی از اختلاف مالی است و انگیزه دیگری در بین نبوده است. او ضمن بیان اینکه ضاربان قبلاً تهدیداتی در این خصوص داشتند افزود: وجود این گونه خبرها نیز حاکی از تسویه حساب شخصی در رابطه با قتل بوده است. او اضافه کرد: موضوع قتل بهروز رهنما توسط تیم ویژه‌ای از نیروی انتظامی در حال پیگیری و ریشه‌یابی و شناسایی و دستگیری ضارب یا ضاربان است و شورای تامین شهرستان نیز بر ادامه این روند تا اخذ نتیجه تاکید کرده است. عرفان‌منش با توجه به محل وقوع قتل و ارتکاب جنایت که در حیطه خصوصی و محل کار انجام شده عنوان کرد که ضاربان قربانی خود را به خوبی می‌شناختند و قبل از تیراندازی نام او را صدا کرده‌اند.

گدای میلیونر تهرانی دستگیر شد

فارس: در تحقیقات معاونت اجتماعی شهرداری تهران از گدای میلیونر جزئیات تازه‌ای در مورد دارایی های وی فاش شد. نجف مرد ۷۵ ساله‌ای است که در تهران پارس در حین تکدی گری توسط گشت های سیار شهرداری تهران دستگیر شد. در تحقیقات صورت گرفته توسط شهرداری تهران مشخص شد که این فرد ۱۵ میلیون تومان پول در حساب بانکی خود دارد و همچنین صاحب یک آپارتمان شیک در شمال شرق تهران است. جالب است که این فرد ادعا می کند که اصلاً متکدی نیست.

باند آدم‌ربایی زاهدان متلاشی شد

شرق: به گزارش روابط عمومی وزارت اطلاعات به دنبال اقدام ناموفق یک باند شرارت در شهرستان زاهدان که قصد ربایش یکی از شهروندان این شهر را داشت با پیگیری های اطلاعاتی نیروهای اداره کل اطلاعات استان سیستان و بلوچستان شناسایی و اعضای این باند دستگیر شدند. در این اقدام ناموفق اشرار مسلح دو نفر را مجروح کرده و از صحنه گریخته بودند که با اقدام های اطلاعاتی به عمل آمده کلیه اعضای این باند شناسایی و دستگیر شدند.

سه بار اعدام برای قاتل دو زن

شرق: یک سارق مسلح که در اقدامی جنون‌آمیز دو زن را به قتل رسانده بود، از سوی قضات شعبه ۷۱ دادگاه کیفری به سه بار اعدام محکوم شد. این سارق مسلح ۳۴ساله که بهزاد نام دارد در بهمن ماه ۸۲ دختر ۲۰ ساله‌ای به نام زهرا و زن میانسالی را به هویت فریده به قتل رسانده است. وی در بازجویی ها درخصوص دو قتل گفت: دختر ۲۰ ساله را در نظرآباد شهریار دیدم که کنار خیابان ایستاده بود، به سمت او حمله‌ور شدم تا کیفش را سرقت کنم. اما دختر جوان مقاومت کرد و من با سنگ چند ضربه به سرش زدم و سپس جسد بی جانش را در داخل گودال انداختم. این سارق درخصوص قتل دوم گفت: دومین مقتوله زنی میانسال به نام فریده بود. او یک زن خیابانی بود که در تاکسی با او آشنا شدم سپس با هم به باغی در شهریار رفتیم. در آنجا بعد از تعرض به آن زن با دست خفه‌اش کردم. متهم به قتل در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران به پای میز محاکمه رفت و به اتهام دو فقره قتل به دو بار قصاص (اعدام) و برای زنای محصنه به یک بار مرگ محکوم کردند.

تصحیح و پوزش

شرق: امروز در صفحه ۸ هفته‌نامه شرق مطلبی تحت عنوان وکیل شیطان چاپ شده که در آن علی طلایی وکیل دادگستری نگاه قانون را به نگارش در آورده بود عنوان ایشان در مطلب ذکر نشده که بدین وسیله تصحیح می شود.

رئیس قوه قضائیه حکم قصاص نوجوانی را متوقف کرد

مجازات نوجوانان در قتل

حوادث

گروه اجتماعی، عاطفه آزاد: محاکمه نوجوانان کم سن و سالی که متهم به ارتکاب جرایم جنایی می شوند، همچنان روشن نبوده و مشخص نیست که باید این محاکمه در دادگاه مخصوص اطفال بزهکار انجام شود و یا رسیدگی به این گونه پرونده ها در صلاحیت دادگاه کیفری است. مرجع تصمیم گیری درخصوص این اختلاف که در نتیجه سکوت قانون ایجاد شده، دیوان عالی کشور است اما این مرجع گاهی دادگاه اطفال را صالح به رسیدگی دانسته و زمانی هم دادگاه کیفری استان را. به هر حال تعیین سرنوشت متهمان در این دو دادگاه متفاوت خواهد بود گاهی قضات دادگاه کیفری متهم به قتل را در صورت ثابت شدن جرم به قصاص محکوم می کنند، در حالی که قاضی دادگاه اطفال مجرمان خردسال را مستحق حبس و یا مجازات بدل از زندان می دانند.

■■■

چندی پیش پرونده‌ای برای استیذان روی میز رئیس قوه‌قضائیه قرار گرفت تا در صورت امضا، متهمی که در سن نوجوانی مرتکب قتل شده بود، قصاص شود. او با تشخیص دیوان‌عالی کشور در دادگاه کیفری محاکمه شده و با درخواست اولیای دم به قصاص محکوم شد. پس از آنکه دیوان‌عالی کشور این حکم را تائید کرد و به اجرای احکام دادسرا فرستاده شد، برای استیذان روی میز رئیس قوه‌قضائیه قرار گرفت. آیت‌الله هاشمی شاهرودی پس از مطالعه پرونده ایراداتی بر آن گرفت و دستور داد پرونده برای دومین‌بار در دادگاه اطفال رسیدگی شود. متهم پرونده پدرش را از دست داده بود و مادرش تنها وارث او، مدارک و دلایل کافی ارائه نکرده بود، علاوه بر آنکه رئیس قوه‌قضائیه اعلام‌نظر کرده بود که شبه دفاع قوی است. با ارجاع مجدد پرونده به دیوان عالی کشور، این مرجع در تصمیم گیری جدید خود رای را از نظر ماهوی نقض کرده و دادگاه اطفال را صالح به رسیدگی دانست.

رضا هم متهم دیگری است که در عنفوان جوانی یعنی ۱۷ سالگی، زمانی که تازه به سن بلوغ رسیده بود، مرتکب قتل دوست قدیمی اش شد. او در سال ۸۲ زمانی که در شرایط اقتصادی بدی به سر می برد و البته خانواده‌اش را هم ترک کرده بود، مرتکب این جنایت شد.

رضا آن روز خسته از کار به مقصد جایی که خانه‌اش نبود، می‌رفت اما در بین راه رحمان را دید. رحمان که از شرایط زندگی رضا مطلع بود، شروع به صحبت کرده و از او خواست تا به خانه‌شان برود. پسرک برای خلاص شدن از دست دوست قدیمی، ناگهان چاقویش را از جیب درآورده و شروع به قدرت‌نمایی کرد اما چاقو به شکم رحمان خورد و او از ترس فرار کرد. ساعتی بعد پیکر خون‌آلود رحمان کشف شد و اولین تحقیقات پلیس سرنخ را به رضا رساند.

او در دادگاه کیفری استان محاکمه و به قصاص محکوم شد. شعبه ۳۷ دیوان‌عالی کشور حکم صادره از سوی دادگاه کیفری را نقض کرد تا پرونده بار دیگر در دادگاه اطفال رسیدگی شود. اما این بار با لحاظ شرایط روانی، خانوادگی و اقتصادی متهم جوان، قاضی غلامی در حال مطالعه پرونده برای محاکمه جوان ۱۷ ساله است.

■ **مجازات نوجوانان در قتل**

چندی پیش قرار بود قضات شعبه ۷۱ دادگاه کیفری تهران، پسر پانزده‌ساله‌ای به نام صابر را به اتهام قتل مردی محاکمه کنند. این نوجوان چند ماه پیش سوار بر اتومبیلی بود که در مسیر تهران- پاکدشت رفت و آمد می کرد. بین راه مسافران این خودرو به خاطر صدای بلند ضبط با هم درگیر شدند و پس از پیاده‌شدن با مشت و لگد و چاقو و پنجه‌بوکس به جان هم افتادند و در این میان پسربچه ۱۵ ساله (صابر) با ضربه چاقو یکی از مسافران را زخمی کرد و مرد مجروح پس از انتقال به بیمارستان جان سپرد.

دیروز قضات دادگاه که آماده محاکمه این زندانی خردسال بودند با پی بردن به سن او، به بحث درباره صلاحیت دادگاه کیفری در مورد رسیدگی به این پرونده پرداختند و سرانجام سه نفر از پنج قاضی حاضر نظر دادند که این دادگاه صالح برای رسیدگی به پرونده یک متهم خردسال نیست و به اکثریت آرا خواستار رسیدگی محاکمه متهم در دادگاه اطفال شدند.

■ **نظرات متناقض**

قاضی نور الله عزیز محمدی به موارد مشابهی از این دست اشاره می کند که پیش از آن مورد رسیدگی قرار گرفته و یا برای اعلام نظر به دیوان عالی کشور ارسال شده است. با وجودی که برخی از قوانین رسیدگی به پرونده قتل اطفال متهم را در زمره وظایف دادگاه کیفری می دانند و قوانین دیگری نیز رسیدگی به اتهامات جنایی افراد زیر ۱۸ سال را در حیطه وظایف دادگاه ویژه اطفال تشخیص داده‌اند در نتیجه به طور قطع برای رسیدگی به اتهامات قتل متهمان نوجوان بین ۱۵ تا ۱۸ سال در دادگاه کیفری یا دادگاه اطفال در این بین تعیین تکلیف نشده است. به گفته قاضی عزیز محمدی قانون با صراحت در این مورد اظهار نظر نکرده و با توجه به اینکه سن مسئولیت کیفری برای پسران ۱۵ سال تعیین شده است، دیوان عالی کشور بایستی در این مورد با تشکیل هیات عمومی تصمیم قطعی بگیرد.

■ **پرونده های معطل**

پیش از آن هم پرونده هایی از جمله درباره یک نوجوان ۱۴ساله به نام رضا در دادگاه کیفری تهران مطرح شده است. رضا در جریان یک نزاع آن قدر عصبانی شده بود که پس از بازگشت به خانه، مستقیم به سراغ آشپزخانه رفته و با چاقویی در دست از منزل خارج شده و با چند ضربه پسر ۱۸ ساله‌ای را از پای درآورده بود.

پرونده اتهامی رضا که به اتهام قتل عمد بازداشت شده بود، ابتدا با نظر دیوان عالی کشور در دادگاه ویژه اطفال مطرح شد و دادگاه او را به حبس و پرداخت دیه محکوم کرد.

خانواده جوانی که کشته شده به این رای اعتراض کردند و خواستار قصاص متهم به قتل فرزندشان شدند و پرونده روی میز قضات یکی از شعبه های دیوان عالی کشور قرار گرفت. دادرسان دیوان پس از مطالعه پرونده رسیدگی به آن را در صلاحیت دادگاه کیفری دانستند و این بار پسر نوجوان برای محاکمه در برابر قضات این دادگاه جنایی قرار گرفت که قضات او را به قصاص (اعدام) محکوم کردند.

این بار خانواده نوجوان محکوم به رای اعتراض کردند و خواستار محاکمه فرزندشان در دادگاه اطفال شدند که اکنون دیوان عالی کشور باید در این مورد تصمیم بگیرد.

به تازگی پرونده جنایی دیگری که متهم به قتل پسری ۱۵ ساله است برای محاکمه به دادگاه کیفری فرستاده شده و این بار روشن نیست که با ارجاع پرونده به دیوان عالی کشور، محاکمه این پسر نوجوان به کدام دادگاه سپرده خواهد شد، دادگاه اطفال یا دادگاه کیفری استان؟

شکارچی رانندگان اعدام می‌شود

شرق: حکم قصاص مرد ۳۷ساله ای که به خاطر اختلافات مالی با شلیک گلوله دوستش را به قتل رسانده بود از سوی قضات دیوان عالی کشور تائید شد.

قاضی عزیزمحمدی رئیس شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران درخصوص این خبر به شرق گفت: این مرد ۳۷ساله رضا نام دارد که با تائید حکم اعدامش به‌زودی به پای چوبه دار می رود.

ماجرا از آنجا آغاز شد که یک شب ماموران کلانتری تهرانسر هنگام گشت متوجه یک اتومبیل پیکان شدند و دیدند درون این اتومبیل مرد جوانی اسلحه اش را به سمت راننده گرفته است و او را تهدید می کند. ماموران با دیدن این صحنه دستور ایست دادند ولی راننده که از طرف مرد مسلح تهدید به مرگ می شد ناچار به دستور او به سرعت راه افتاد. گروه گشتی پلیس که جان راننده را در خطر می دیدند، به تعقیب اتومبیل پرداختند و این تعقیب و گریز به خیابان های مرکزی تهران کشیده شد تا اینکه خودرو پیکان را در تقاطع خیابان های سمیه و حافظ متوقف کردند. مرد مسلح وقتی خود را در محاصره افراد پلیس دید، سلاحش را به طرف ماموران نشانه گرفت و برای شلیک ماشه را چکاند ولی به علت گیر کردن فشنگ، سلاح کمری عمل نکرد و او به سوی خیابان انقلاب پا به فرار گذاشت. پلیس کلانتری و ماموران دیگری که به کمک شتافته بودند به تعقیب مرد مسلح پرداختند. این مرد که مرتب در حال فرار به سوی ماموران تعقیب کننده شلیک می کرد، سرانجام در خیابان انقلاب دستگیر شد و ماموران پلیس ضمن خلع سلاح وی در بازرسی بدنی پنج برگ تراول چک، ۱۶۸ هزار تومان پول نقد و مدارک یک اتومبیل مسروقه پیکان را از او به دست آوردند.

مدارک پیکان مسروقه متعلق به مردی به نام محمدعلی بود. ماموران با شماره تلفنی که از این مرد به دست آورده بودند تماس گرفتند و زن جوانی گوشی را برداشت و گفت: شوهرم (محمدعلی) چند روز پیش با اتومبیل پیکان خود از منزل بیرون رفته اما دیگر به خانه برنگشته و هیچ خبری از او نداریم، به همین خاطر به اداره آگاهی رفته ایم و از کارآگاهان کمک خواسته ایم که شوهرم را پیدا کنند و ببینند چه بر سرش آمده است. راننده پیکان هم که مورد تهدید مرد مسلح قرار گرفته بود به ماموران گفت: ساعت ۱۰ شب در حال عبور از تهرانسر بودم که مردی به‌عنوان مسافر سوار ماشینم شد و سپس با تهدید اسلحه مرا وادار به رفتن به کرج کرد اما در میان راه منصرف شد و گفت: به ستارخان برو. وقتی لوله اسلحه اش را به طرف صورتم گرفت، دیدم دست هایش خونی است. ترسیدم. خواستم راه فراری پیدا کنم. در این موقع ماموران گشت کلانتری را دیدم. مرد مسلح تهدیدم کرد که باید به سرعت فرار کنیم وگرنه مرا می کشد. من هم به ناچار راه افتادم...

ماموران آگاهی سپس به بازجویی از مرد مسلح پرداختند. او خود را رضا معرفی کرد و گفت: اسلحه را از فردی به نام سعید در کرمانشاه گرفتم و با آن قصد خودکشی داشتم. بعد به فکر ماشین دزدی افتادم.

افسر بازجو پرسید: مدارک یک اتومبیل پیکان به نام «محمدعلی» در بازرسی بدنی از تو پیدا شده، با این مرد چه کرده ای؟

متهم در جواب گفت: با محمدعلی آشنا بودم. یک روز من با او تماس گرفتم و قرار گذاشتیم به اتفاق هم با اتومبیلش به شهریار برویم تا من مقداری مواد مخدر (از نوع شیشه) بخرم. در بین راه با شلیک گلوله او را کشتم. جسدش را در شادشهر کرج داخل چاه آبی انداختم و اتومبیلش را به سرقت بردم. متهم چندی پیش در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری به پای میز محاکمه رفت و قضات این شعبه وی را به قصاص (اعدام) محکوم کردند. حکم صادره به دیوان عالی کشور فرستاده شد و قضات شعبه ۲۶ دیوان این حکم را تایید کردند. بدین ترتیب این قاتل به زودی اعدام می شود.

هدیه هیتلر در سعدآباد

پلاک‌های جدید برای خودروهای کلاسیک و قدیمی

عکس: منصوره معتمدی، فارس

گروه اجتماعی: با پیشنهاد کمیته کلاسیک فدراسیون اتومبیلرانی و در صورت موافقت راهنمایی و رانندگی، برای خودروهای قدیمی و کلاسیک، پلاک جدید صادر می شود و امکان تردد در سطح خیابان‌های شهر فراهم خواهدشد. مسئول برگزاری دومین نمایشگاه اتومبیل های کلاسیک در مجموعه کاخ سعدآباد با اعلام این مطلب گفت: پیرو این پیشنهاد در نظر است با یک شرکت بیمه برای مشخص شدن قیمت این نوع ماشین ها توافق حاصل شود تا طبق ارزش گذاری تعیین شده، این فرصت فراهم می شود تا صاحب چنین خودرویی جرات راندن در خیابان‌های شهر را داشته باشد. امیر صدری از پیشنهاد رئیس مجموعه تاریخی کاخ موزه سعدآباد خبر داد و گفت: طبق پیشنهاد عبدالعلی‌پور در صورتی که راهنمایی و رانندگی بپذیرد، بعد از تعمیر موتور برخی از خودروها که به مدت ۳۰ سال است روشن نشده‌اند، در سال آینده از تجریش تا سعدآباد و در منطقه شمیرانات، این خودروها به همراه صاحبانشان در خیابان‌های منطقه حرکت خواهند کرد. به گفته وی چنین نمایش خیابانی از خودروهای کلاسیک در اکثر کشورهای اروپایی وجود داشته و بسیار مورد توجه است. دومین نمایشگاه خودروهای کلاسیک که تا پایان فردا در مجموعه کاخ سعدآباد برقرار است بیش از ۹۰ خودروی قدیمی به نمایش گذاشته می شود که در میان آنها بیش از ۶ مدل آن در دنیا تک بوده و نمونه آن فقط در ایران موجود است. اکثر خودروهای به نمایش درآمده دارای شناسنامه بوده و این فرصت فراهم شده تا یک نسل کامل خودروهای بنز در ایران به نمایش درآید. به گفته صدری چنین مجموعه‌ای نمایانگر میزان فعالیت این کارخانه در ایران است. در این مجموعه گردآوری شده ۱۳ خودروی بنیاد برای اولین بار از موزه تماشاگه خودرو خارج شده و در محوطه سعدآباد حضور دارند که یکی از آنها کا ۵۰۰ است که تولید سال ۱۹۳۴ با ۵ هزار سی سی قدرت موتور است که در دنیا فقط ۵ تا از آن تولید شده که در این ۷۰ سال چهارتای آن به‌طور کامل از بین رفته و فقط همین یکی در ایران باقی مانده که گفته می شود هدیه هیتلر بوده است. قیمت برآوردی این خودرو بیش از ۸ میلیارد تومان است. مسئول برگزاری این نمایشگاه از قدیمی ترین خودروی مجموعه نام برد و گفت: قدیمی ترین خودروی این مجموعه تولید سال ۱۹۲۷ از یک کمپانی آمریکایی است که این کمپانی سال‌ها پیش تعطیل شده است. وی از دیگر خودروهای تک این مجموعه نام می برد که یکی از آنها تولید سه کارخانه بنز، پورشه و فولکس واگن است که به‌عنوان هدیه سفیرکبیر آلمان به خانواده پهلوی کادو داده شده است.

گزارش کوتاه

صدری ابراز امیدواری کرد با راه‌اندازی چنین جشنواره‌هایی در ایران دیگر موزه‌ها از وضعیت و تعداد خودروهای کلاسیک موجود در تهران مطلع شده و امکان مبادلاتی از این دست برای جلب توریست و گردشگر فراهم شود. به گفته وی در نظر است ارتباط بهتری بین موزه تماشاگه خودرو و موزه مرسدس بنز آلمان برقرار شود. برگزارکننده بخش خصوصی این نمایشگاه با تاکید بر این نکته که هنوز خودروهای گلچین و خاص بسیاری وجود دارد که صاحبان آنها حاضر نیستند آنها را بیرون بیاورند، گفت: در نظر داریم با افزایش سطح برگزاری این نمایشگاه‌ها صاحبان این خودروها را تشویق به حضور در این نمایشگاه کنیم. در مدت برگزاری این نمایشگاه همه خودروها توسط برگزارکننده بیمه شده و امنیت آن تضمین شده است. صدری ابراز امیدواری کرد فضایی فراهم شود تا با همکاری کارخانه های خودروسازی علاوه بر نمایش خودروهای ایرانی مثل اولین پیکان و اولین سمند این خودروها در فضایی جدید و متفاوت به نمایش درآیند.

وی تاکید کرد خوشبختانه به علت فضای مناسب در مجموعه سعدآباد و همکاری همه جانبه مسئولان این موزه، مردم خیلی خوب از این نمایشگاه استقبال کردند.

در نشست علمی قضات دادگاه‌های اطفال عنوان شد

بزهکار امروز نباید تبهکار فردا شود

گروه اجتماعی: نشست علمی قضات دادگاه‌های اطفال دیروز در حالی برگزار شد که مسئولان قضایی و روانشناسان به بحث و تبادل‌نظر پرداختند و تا زمان حضور خبرنگاران هیچ یک از قضات، با مسئولان دادگاه اطفال به بیان مشکلات و مسائل خود نپرداختند.

در این نشست دیدگاه جدیدی در رابطه با بزهکاران مطرح شد که بیشتر بررسی ریشه‌ای چگونه مجرم شدن آنها را در بر می گرفت و دادستان تهران هم البته از اهداف تربیتی در دادسراها و دادگاه‌ها گفت نه دید مجازاتی.

اولین نشست علمی قضات دادگاه‌های اطفال با سخنرانی سیدعلی آوایی رئیس کل دادگستری استان تهران، آغاز شد. او پیش از هر چیز به بیان آثار موثر نشست چون افزایش احساس مسئولیت و تقویت روحیه پرسشگری اشاره کرد. او با بیان اینکه در فرهنگ عامه کودکان را نابالغ و سمبل قیم‌پذیری می‌دانیم به جوامع امروزی اشاره کرد که در نوع نگاه به کودک پیچیدگی خاص آنها سنجیده می شود چون کودکان را آینده‌سازان جامعه می‌دانند و تجارب بشری نشان می دهد که جوامعی که برای کودکان خود برنامه‌ریزی عالمانه داشتند، بسیار سریع‌تر قله‌های افتخار را فتح کرده‌اند. آوایی با تاکید بر روش های متعادل، جواز ورود به دنیای کودکان برای والدین، مربیان و قضات را برقراری تعادل دانست و اضافه کرد: کسانی که بیش از حد در امور مذهبی، معنوی و تربیتی سختگیری می کنند، عملی افراطی انجام می‌دهند و احساس گناه را در افراد مضاعف می کنند. افرادی هم که تفریط می کنند اطفال را نسبت به ارزش ها بی‌تفاوت بارآورده و فرزندان را ضدارزشی و حتی بزهکار به جامعه تحویل می دهند.

او البته به مضار افراط و تفریط در مسائل عاطفی هم اشاره کرده و آن دو را هم مردود دانست و گفت: «توجه افراطی، اعتماد به‌نفس را از بین می‌برد و خشونت فکر را تعطیل می کند.» آوایی در تعریف اختلال از نوعی که در اطفال بزهکار مشاهده می شود، گفت: رفتاری که ضمن رعایت‌نکردن هنجارها و مرزبندی‌های زندگی گروهی، از نوعی آشفتگی مشخص و قابل مشاهده برای متخصصان برخوردار باشد موجب می شود بزهکار خارج از حدود قانون اقدام کند و در حفظ روابط سالم با اجتماع ناتوان باشد. افراد بزهکار در پاسخگویی به شرایط روزمره زندگی ناتوانند و رفتارهای متعادلی انجام نمی دهند. رئیس دادگستری استان تهران همچنین رفتارهای متعادل و روانشناسانه قضات و مسئولان کانون اصلاح و تربیت و اهتمام در ورزش و حرفه‌آموزی و جبران خلأهای عاطفی و شخصیت دادن و تقویت اعتماد به‌نفس را ازجمله راه‌هایی دانست که می تواند تاثیر زیادی بر اطفال بزهکار در کانون‌های اصلاح و تربیت بگذارد. سعید مرتضوی دادستان تهران نیز در این نشست به احیای دادسراها در سال ۸۲ اشاره کرد و سپس به تشکیل دادسرای اطفال پرداخت و گفت: «جرایم افراد بالغ زیر ۱۸ سال در دادسرای اطفال رسیدگی می شود و اگر آنها مرتکب جرمی شده باشند پرونده از دادسرا با صدور کیفرخواست به شعب ویژه اطفال در مجتمع اطفال ارجاع می شود.» او ادامه داد: «در مجتمع قضایی اطفال، روانپزشک و وکلای تسخیری حضور دارند. علاوه بر آن کارشناسان امور تربیتی و مددکاران اجتماعی و قضاتی که در رابطه با اطفال کار می کنند و مطالعات زیادی در این زمینه انجام داده‌اند هم فعالیت می کنند.»

خبر روز

مرتضوی از تقاضای قضات دادسرا گفت که خواستار امکانات جنبی زیادی برای دادسرا شده‌اند تا نوجوانانی که مرتکب جرمی شده‌اند، در مسیر تربیت و اصلاح قرار گیرند، با توجه به آنکه اقدامات دادسرا و دادگاه بیشتر دید تربیتی دارند تا دید مجازات و همت ما بر آن است طفلی که مرتکب بزه می شود به تبهکار بزرگ فردا تبدیل نشود. دکتر علاقه‌مندان روانشناس هم به مبحث اختلافات روانپزشکی کودکان و نوجوانان بزهکار و بزه‌دیده پرداخت. او از قابل درمان بودن ۶۰ درصد از اطفالی خبر داد که به دادگاه اطفال مراجعه می کنند و افزود: تعداد کمتری هستند که درمان آنها به دلایل مختلف بسیار دشوار است. مواردی هم ترکیبی از علل مختلف اجتماعی، فرهنگی دارند که اگر بتوانیم اقدام اصلاحی کنیم موفقیت نسبی خواهد بود. او افزود: احساس ما این است که بسیاری از مواردی که از سیستم درمانی خارج شده‌اند، مرتکب جرایم می شوند، بسیاری از کسانی که درصد بالای فرار از منزل، بی مبالاتی جنسی و سرقت دارند مواردی هستند که ما آنها را مبتلا به اختلال خلقی به ویژه اختلال خلقی دوقطبی می دانیم که این افراد قابل درمان هستند. در درجه بعد کسانی که اختلال تنوع طلبی، ریسک پذیری و برخی بی مبادلاتی ها را می توان به آنها نسبت داد، قرار دارند. دکتر نجفی هم به بحث درخصوص چهار نوع اختلال شامل دوقطبی، رفتار ضداجتماعی، بیش فعالی و بی اعتنایی مقابله‌ای پرداخت و افزود: بیش فعالی در کشورمان زیاد است ولی اگر شناخته نشود احتمال دارد پس از بلوغ، شخص با سیستم قضایی درگیر شود. او سپس به معرفی نمونه هایی از این بیماران پرداخت که به دلیل تشخیص ندادن بیماری بزهکار شده و خانواده آنها هم دچار ناهنجاری های شدیدی شده بودند. او همچنین ادعا کرد که ۷۰ تا ۸۰ درصد جوانانی که برای بار اول جلوی میز قاضی قرار می گیرند افراد بیمار هستند. در ادامه نشست خانم دکتر شیرازی به تشریح رفتارهای افرادی پرداخت که دچار بیماری هایی هستند که سرانجام منجر به بزهکاری می شود.

۲۲۰۵۳۳۷۲ — مردمک

لزوم رسیدگی به حقوق مردم

رئیس محترم قوه قضائیه اعلام کرده‌اند به منظور مقابله با ناهنجاری ها باید ستادهای ویژه از جمله ستادهای مبارزه با زمین‌خواری در استان‌ها تشکیل شود و گفته بودند که در طول دو سال اخیر زمین های بسیاری به بیت‌المال یا صاحبان اصلی آن بازگردانده شده. اینجانب ضمن ارائه مدارک مبنی بر مالک بودن به همراه عده‌ای نزدیک به ۲۲۰۰ خانواده از زمین های لتمال کن مربوط به سازمان اوقاف از سال ۱۳۵۳ تا به حال پس از پیگیری های بسیار هنوز به زمین های خود نرسیده‌ایم. با آنکه شخصاً در زمان ریاست شهرداری جناب آقای احمدی‌نژاد در نمازجمعه خدمتشان رسیدم و در سال ۱۳۸۱ پیگیری این موضوع را از مقامات بالاتر درخواست کردم و دستور پیگیری شدن آن به سازمان اوقاف رسید هنوز تاکنون این امر انجام نپذیرفته است...

درباره زمین های لتمال کن سازمان اوقاف با سازمانی اختلاف دارد که در مجتمع قضایی شهیدبهشتی تحت بررسی است. بدین‌وسیله از رئیس محترم قوه قضائیه خواهشمند است توسط آن ستاد ویژه هرچه زودتر به این مسئله رسیدگی فرمایند.

توزیع بد در شیراز

روزنامه شرق معمولاً پنجشنبه‌ها در شیراز توزیع نمی شود. البته بعضی اوقات روزنامه پنجشنبه، روز شنبه به شیراز می آید. اخیراً طی هفته جاری روزنامه را یک روز در میان دریافت کردیم یعنی شنبه ۸۵/۳/۷ و دوشنبه روزنامه در شیراز توزیع نشد. اشکال از عامل توزیع در شیراز است یا تهران؟ لطفاً آن را برطرف کنید.

ساخت‌وساز در ارتفاعات

شهردار تهران در اجتماع معتمدین منطقه یک گفت به کسی اجازه ساخت‌وساز در ارتفاعات نخواهیم داد. الان مدت ۱۰ روز است در منطقه سوهانک در ارتفاع بالای ۱۸۰۰ متری کامیون‌ها و لودر از ساعت ۹ شب تا ۶ صبح خاک کوه را به توبره کشیده‌اند و هزاران تن خاک را جابه‌جا کرده‌اند. سئوالم این است مگر این کوه‌ها سرمایه‌های ملی و متعلق به تمام افراد ملت نیستند؟ پس چگونه عده‌ای می‌توانند با مجوز یا بدون مجوز آنجا ساختمان‌سازی کنند.

علت افزایش تعرفه تلفن همراه

درحالی که در کشور ما اصلاً صنعت تولید تلفن همراه وجود ندارد علت افزایش تعرفه واردات تلفن همراه چیست؟ آیا افزایش تعرفه که طبعاً افزایش قیمت تلفن همراه را به دنبال خواهد داشت به ضرر مصرف‌کننده و به سود واردکننده نیست؟ آیا این امر با شعار حمایت از مصرف‌کنندگان همخوانی دارد یا خیر.

تجدیدنظر در پرداخت ودیعه مسکن

راجع به طرح ودیعه مسکن که برای کمک به اقشار کم‌درآمد پرداخت می شود خواستم بگویم این طرح شاید حدود ۱ یا ۲ درصد افراد نیازمند را تحت پوشش قرار دهد در عوض باعث افزایش اجاره مسکن برای ۱۰۰ درصد مستاجرین می شود. این طرح بسیار ضعیف است که هنوز پرداخت نشده اجاره مسکن را به‌صورت وحشتناکی بالا برده است. از مسئولین می‌خواهم بررسی دقیق و کارشناسانه‌ای روی آن انجام دهند و از دادن آن خودداری نماید. تزریق پول به ۱ یا ۲ درصد از مستاجرین هیچ دردی را از آنان دوا نمی کند و سال دیگر همان ۲ درصد نیز دوباره دچار مشکل خواهند شد. برای این درد و معضل بزرگ که گریبان جامعه را گرفته درمان ریشه‌ای و اصولی و نه مقطعی لازم است.

اعتراض به حقوق زیر خط فقر

چند روز پیش پیامی از خواننده‌ای چاپ شده بود که چرا یک بازنشسته لیسانس ۲۰۰ هزار تومان می گیرد. بازنشستگانی که ۶ کلاس خوانده‌اند نیز باید همین قدر حقوق بگیرند. خواستم به ایشان بگویید شهروند عزیز شما به حقوق یک بازنشسته‌ای که ۶ کلاس درس خوانده کار نداشته باش به این کار داشته باش که اصلاً چرا باید یک بازنشسته ۲۰۰ هزار تومان بگیرد که بر اساس گفته مسئولین زیر خط فقر است. باید به اصل دریافت حقوق بازنشستگی اعتراض کرد و بگوییم که لااقل مبنای حقوق یک بازنشسته را روی خط فقر قرار دهید نه زیر آن. مابقی مسائل هیچ مشکلی از ما حل نمی کند. مطمئناً ما هم دوست داریم کسانی که مدارک بالا دارند حقوق های بالا که حقشان است بگیرند.

چگونگی تهیه آلوئه‌ورا

یکشنبه ۷ خرداد راجع به گیاه آلوئه‌ورا و خصوصیات آن نوشته بودید ولی اصلاً اشاره نکرده بودید که آن را از کجا می توان تهیه کرد. تمام داروخانه‌ها را گشتم ولی اثری از این گیاه پیدا نکردم. اگر امکان دارد در مورد تهیه آن توضیح دهید. آلوئه‌ورا یک نوع گیاه درمانی است که بیشتر در محصولات تجاری و ترکیبات کرم‌ها مورد استفاده قرار می گیرد. این گیاه را نمی‌توان از داروخانه ها یا جایی تهیه کرد ولی می‌توان از کرم‌ها و ماسک های آرایشی ـ بهداشتی استفاده کرد که آلوئه‌ورا جزء ترکیبات آن است.

دو پیشنهاد

ویژه‌نامه‌های منتشر شده توسط شرق خواندنی و جالب است. ولی صفحات مختلف روزنامه باید جای ثابت خود را در روزنامه حفظ کند و هرازگاهی به دلیل چاپ ویژه‌نامه حذف نشود. و علاقه‌مندان آن صفحه در آن روز از خواندن مطالب مورد نظر محروم نشوند. از طرفی چون مطالب روزنامه متنوع و سنگین است جدول روزنامه حکم زنگ تفریح و نوعی سرگرمی را دارد و نباید هر هفته چند بار به بهانه‌ای چاپ نشود. بهتر است جدول را نیز جزء صفحات ثابت روزنامه قرار دهید.

جوابیه

مش